

هذا صاحبكم من بعدي و خلافتي علمكم و هو القائم الذي تمتد اليه الأعناق بالانتظار، فإذا امتلأت الأرض جوراً و ظلماً،
خرج فملأها قسطاً و عدلاً

ابو غانم خادم گوید: ابو محمد (علیه السلام) دارای فرزندی گشت و نامش را محمد نهاد و او را در روز سوم به اصحابش
عرضه کرد و فرمود:

این نوزاد صاحب شما پس از من و جانشین من بر شماست، و او همان قائمی است که مردمان از سر انتظار، به سوی او
گردن کشند و چشم به راهش باشند. پس آنگاه که زمین پر از جور و ظلم گردد، خروج کند و آن را از قسط و عدل پر
سازد.

نابج الموده، ج 3 ص 323، ح 1؛ بحار الانوار، ج 51، ص 5 ح 11

هذا إمامكم من بعدي و خلافتي علمكم، أطعوه و لا تفرقوا من بعدي فتهلكوا في أدانكم، ألا وانكم لاترونه من بعد و ممكم
هذا حتي تم له عمر...

شیخ طوسی (ره) می نویسد: روزی حدود چهل تن از شیعیان حضور امام حسن عسکری (علیه السلام) شرفیاب شدند و
از حضرتش تقاضا کردند که حجت پس از خودش را به آنان معرفی کند. ناگاه پسری دیدند همچون پاره ماه، که شب
تیره مردمان به ابومحمد (علیه السلام) بود، آن گاه حضرتش فرمودند:

این، پس از من امام شماست و جانشین من است بر شما، او را اطاعت کنید و پس از من پراکنده نشوید، که در میان تباہ

مي شود و به هلاکت مي افته، بدان که پس از امروز او را نخواه دید تا آنکه عمري از او سپري گردد.

غبت شيخ طوسي، ص 357، ح 319؛ مدینه المعاجز، ج 7، ص 611؛ اکمال الدین، ص 435، ح 2

والله لا يغيب عن بئله لا نجوفها من الهلكة إلا من ثبتته الله عز وجل علي القول بامامته ووفقه (فها) للدعاء بتعجيل فرجه

به خدا سوگند که او غیبتی خواهد نمود که در آن از هلاکت رها نی‌ابد مگر کسی که خدای عزوجل او را بر اعتقاد به امامت او پایدار و ثابت قدم بدارد و توفیق دهد که دعا برای تعجیل فرجش کند.

اکمال الدین، ص 348، ح 1؛ مدینه المعاجز، ج 7، ص 606، ح 2595

الحمد لله الذي لم يخرجني من الدنيا حتي أُراني الخلف من بعدي، أشبه الناس برسول الله (صلي الله عليه وآله وسلم) خلقاً وخلقاً، حفظه الله تبارك وتعالى في غيبته ثم يظهره...

احمد بن اسحاق گفت از امام حسن عسکری (علیه السلام) شنیدم که فرمود:

حمد خدای را که مرا از دنیا نبرد تا آنکه جانم بن خود را دیدم همان کسی که شبیه تر بن مردم از نظر خلقت و اخلاق به رسول خدا (صلي الله عليه وآله وسلم) است و خداوند تبارک و تعالی او را در عصر غیبتش حفظ می‌کند تا آنکه او را ظاهر سازد.

اکمال الدین، ص 409، ج 7، کفایت الاثر، ص 295، صراط المستقیم
